
چون بوی تلخ خوش کندر

زندگی‌نامه‌ی فرهاد مه‌راد

نویسنده

وحید کهن‌دل



نسترن

تهران

۱۳۹۸

www.ketab.ir

سرشناسه:

عنوان و پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:

کهندل، وحید، ۱۳۶۴-

چون بوی تلخ خوش کندر: زندگی‌نامه‌ی فرهاد مهرداد؛ وحید کهندل.

تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۷.

۳۰۴+۱۶ ص. (مصور، بخشی رنگی)

ISBN 978-964-209-312-0

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

مهرداد، فرهاد، ۱۳۲۲-۱۳۸۱.

آواخوانان ایرانی - قرن ۱۴ - سرگذشت‌نامه.

۱۳۹۷ ک ۹ ف ۴۳ / ML۴۲۰

۷۸۹ / ۰۹۲

۵۱۹۲۴۰۳

۱۴. ۳۹۴۸
—————
۹۸۱۳۷

چه ذبیب تل خوش کندر

وچید کهندل مهدی نوری رضا اسدعلی پور	نویسنده ویراستاران
۱۱ ۱۵۰	چاپ اول تیراژ
حسین مصطفی حسینی نقی بابایی آرمانسا صنوبر آرمانسا	مدیر هنری ناظر چاپ حروف نگار لیتوگرافی چاپ جلد چاپ متن و صحافی

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۳۱۲-۰
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



فهرست

۷	یادداشت نویسنده	
۹	مقدمه	
۱۱	کوشی و نوجوانی	۱
۲۷	جوانی	۲
۵۳	پس از انقلاب	۳
۶۵	پس از انقلاب	۴
۱۷۹	سال‌های آخر	۵
۲۰۷	داستان‌ها	۶
۲۱۱	تصویرها	۷
۲۲۰	نامه‌ها	۸
۲۲۷	یادداشت‌ها	۹
۲۵۱	حاشیه‌نویسی‌ها	۱۰
۲۶۹	کارنامه‌ها	۱۱
۲۷۳	دنیا از دوربین فرهاد	۱۲
۲۸۹	عکس‌ها	۱۳
۲۹۷	نمایه	

پاییز سال ۱۳۸۳ با خجانی به نام وحید آشنا شدم که داستان غریب این آشنایی در جای خود بی‌دید شایسته خواهد بود. این جوان هجده ساله شناختی شگفت‌انگیز از فرهنگ داشت. هر چه می‌گذشت، من بیش‌تر متوجه شباهت‌های وحید با فرهاد می‌شدم؛ حساسیت‌های غیر معمول، دقت و موشکافی در جزئیاتی که از نگاه دیگران غیر ضروری تلقی می‌شود و از همه مهم‌تر سؤال‌ها و اظهار نظرهایی که گویای شناختی گسترده و نامتعارف از فرهاد بود.

پس از مرگ فرهاد، زمانی که او یکبارگی کانن تریس به مطبوعات و رسانه‌ها شده بود، کتابی انتشار یافت که به بررسی زندگی او پرداخته بود. کنجکاوانه و به امید آن‌که مطالب بالارزشی در آن خواهم یافت، کتاب را خریدم و ناسفانه برخلاف تصورم کتاب پر بود از نوشته‌های متناقض و دروغ‌های عجیب و باورنکردنی مطبوعات و اشخاصی که خود را از نزدیکان فرهاد معرفی می‌کردند. به وزارت ارشاد شکایت کردم و مانع از ادامه‌ی چاپ آن شدم، هر چند تا زمان جمع‌آوری کتاب نسخه‌های زیادی از آن به دست دوستداران فرهاد رسیده بود. اما این کتاب نویسی‌ها همچنان ادامه یافت. فرهاد دوستان و فرهادشناسان یکی پس از دیگری پا به میدان می‌گذاشتند و با معرفی او به اشکال موهوم و خیالی و ارائه‌ی اطلاعات نادرست در شمایل کتاب، کم‌کم به منبع و سند موثق دیگر رسانه‌ها نیز تبدیل می‌شدند. به‌زودی دریافتم وقتی جامعه اطلاعات ناکافی از شخص یا

موضوعی دارد، ناگزیر روی به شایعه‌سازی و خیال‌پردازی می‌آورد. مسبب این اتفاق ناخوشایند درباره‌ی فرهاد چه‌بسا شخص من بودم که به عادت همیشگی خود فرهاد از شناساندن او ظفره می‌رفتم و وقتی هم فرصتی پیش می‌آمد، باز سکوت را ترجیح می‌دادم. بدین ترتیب، به‌رغم اعتقاد من به این‌که زندگی خصوصی فرهاد هرگز نباید عمومی شود، تصمیم گرفتم فرهاد واقعی را به دور از اکاذیب منتشرشده در رسانه‌ها به دوستانش معرفی کنم. فرهاد سال‌ها قبل، بی‌اطلاع از چنین روزی، خودش مسیر را مشخص کرده بود.^۱ در سال ۱۳۹۰، پس از مشورت‌ها، بسیار و بی‌ثمر با اصحاب رسانه و ناامید از آخرین کسی که نوشته‌هایش را خواندم، به وحید پیشنهاد کردم داستان فرهاد را با تکیه بر اطلاعات و منابع صحیح و موثقی بنویسد. او در کمال ناباوری من این پیشنهاد را پذیرفت. شش سال طول کشید تا این نویسنده این کتاب آماده شود. من خود بارها شاهد تلاش‌های بی‌وقفه و جسته‌جسته‌های گاه‌بی‌نتیجه‌اش بودم که می‌کوشید از دل مجموعه‌ی گاه‌متناقض دست‌نوشته‌هایش بی‌نهایتی بیرون بیاورد. آنچه می‌خوانید گواه این مدعاست. اطمینان دارم وحید همواره با فرهاد می‌ماند، چه من باشم چه نباشم. او می‌توانست فرزند واقعی فرهاد باشد.

پوران گلفام

زمستان ۱۳۹۷